

مجموعه قصه‌های پارک

# گردش در باران

«بهار»

نویسنده: مرزگان میرمحمد صادقی تصویرگر: محبوبه دادخواه



یک روز بهاری گربه کوچولو در پارک گردش می کرد. هوا خنک و ابری بود ناگهان یک قطره آب روی بینی اش افتاد. سرش را بالا گرفت، دومین قطره چکید کنار چشمش و قطره های بعدی صورتش را خیس کرد. گربه کوچولو دوید زیر بوته گل رز و با خودش گفت: همین جا منتظر می مانم تا باران تمام شود. به زمین بازی نگاه کرد. بچه ها با عجله از زمین بازی بیرون می دویدند.





بعد از مدتی حوصله گربه کوچولو سررفت. از زیر بوته گل بیرون دوید تا دوستانش را پیدا کند؛ ناگهان زاغک را دید. زاغک داشت از گودال کوچکی، آب می خورد.

گربه کوچولو گفت: سلام دوست عزیز! می خواهی کمی باهم گردش کنیم؟

هریک از داستان‌های مجموعه قصه‌های  
پارک، مستقل از دیگری است و در چهار فصل  
سال اتفاق می‌افتد.

حیوانات پارک، هر بار با یک سوال مواجه می  
شوند و تلاش برای یافتن پاسخ آن، داستانی  
را شکل می‌دهد.

این کتاب با نثری کودکانه و الهام از برهان  
نظم، دلایل علمی چهار پدیده طبیعی باران،  
روز و شب، باد و کوه را که همگی نشانه‌ای از  
وجود خدای مهربان است، بیان می‌کند.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

قم - خیابان معلم - معلم ۱۰ - کوچه ۸ - پلاک ۶  
تلفن: ۳۷۷۴۶۸۸۲ شماره: ۳۷۷۳۰۰۰۹

